

The Role of Women in Night Gatherings and Reducing Post-Traumatic Stress Disorder (PTSD) in Children and Adolescents

Razieh Ali Akbari

Faculty Member, Department of Theology Education and Islamic Studies,
Farhangian University, Hazrat Fatimah Masumeh (peace be upon her)
Campus, Qom, Iran.

Email: Aliakbari@cfu.ac.ir

Abstract

During the Ramadan War, night gatherings at the height of collective crisis became an unconscious but systematic arena for the psychological reconstruction of children and adolescents. Where the meaning of death and fear underwent transformation in the context of group solidarity rituals. The aim of this systematic review, using an analytical-descriptive method, is to identify and explain the "role of women" in such gatherings and also to analyze their role in reducing post-traumatic stress disorder (PTSD) in children and adolescents. The findings show that the role of women in night gatherings operates in three main directions: achieving solidarity and ritual resilience; changing stress hormones to joy; and collective emotional reregulation. This review shows that the presence of women in night gatherings, by providing a platform for the symbolic reversal of death, not only reduces long-term psychological trauma, but also strengthens the capacity for post-traumatic growth (PTG) and social cohesion in the child and adolescent generation.

Keywords: Moral education, war trauma, Ramadan war, night gatherings, post-traumatic stress disorder (PTSD)

دور النساء في التجمعات الليلية والحد من اضطراب ما بعد الصدمة (PTSD) لدى الأطفال والمراهقين

راضية علي أكبري

عضو الهيئة العلمية، قسم تعليم اللاهوت والمعارف الإسلامية، جامعة فرهنكيان، حرم السيدة فاطمة المعصومة ^{عليها السلام}، قم، إيران.

البريد الإلكتروني: Aliakbari@cftu.ac.ir
الهاتف المحمول: ٠٩٣٠٦٣٤٢١٢٨

الملخص

في حرب رمضان، تحولت التجمعات الليلية في لحظات الأزمات الجماعية من تمييز لاشعوري إلى ساحة بناء نفسي منظم للأطفال والمراهقين، حيث شهد مفهوم الموت والخوف تحولاً في إطار طقوس التضامن الجماعي. يركز هذا الاستعراض المنهجي، بالاعتماد على المنهج الوصفي-التحليلي، إلى تحديد وتبيين دور المرأة في هذه التجمعات، وتحليل إسهامها في الحد من اضطراب ما بعد الصدمة (PTSD) لدى الأطفال والمراهقين.

وتُظهر النتائج أن دور المرأة في التجمعات الليلية يكون عبر ثلاثة محاور رئيسية: تحقيق التضامن والصمود، وتحويل هرمونات التوتر إلى مشاعر من البهجة والنشاط، وإعادة تأهيل الانفعال الجماعي. كما يبين البحث أن مشاركة المرأة في التجمعات الليلية، من خلال توفير بيئة تسمح بإعادة تشكيل المعاني الرمزية للموت، لا يحد فقط من الآثار النفسية طويلة الأمد، بل يعزز أيضاً مقومات نمو ما بعد الصدمة (PTG) والتماسك الاجتماعي لدى جيل الأطفال والمراهقين.

الكلمات المفتاحية: التربية الأخلاقية، الصدمة الحربية، حرب رمضان، التجمعات الليلية، اضطراب ما بعد الصدمة (PTSD).

نقش زنان در تجمعات شبانه و کاهش اختلال استرس پس از رویداد ناگوار (PTSD) در کودکان و نوجوانان

راضیه علی اکبری

عضو هیئت علمی گروه آموزش الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان قم، پردیس حضرت معصومه س، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵، تهران، ایران.

Email: Aliakbari@cfu.ac.ir

چکیده

در جنگ رمضان، تجمعات شبانه در بزرگراه‌های بحران جمعی به عرصه‌ای ناخودآگاه اما نظام‌مند برای بازسازی روانی کودکان و نوجوانان تبدیل شد؛ عرصه‌ای که در آن معنای مرگ و ترس در بستر آیین‌های همبستگی جمعی دستخوش تحول می‌گردد. هدف این مطالعه مروری، با رویکرد توصیفی-تحلیلی، شناسایی و تبیین نقش زنان در چنین تجمعاتی و تحلیل کارکرد آنان در کاهش اختلال استرس پس از رویداد ناگوار (PTSD) در کودکان و نوجوانان است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که نقش زنان در تجمعات شبانه از سه مسیر اصلی قابل تبیین است: تقویت همبستگی و تاب‌آوری آیینی، کاهش پاسخ‌های فیزیولوژیک استرس و افزایش احساس نشاط، و بازتنظیم هیجانی در سطح گروهی. نتایج این مرور نشان می‌دهد که حضور زنان در تجمعات شبانه، با فراهم ساختن بستری برای بازتعریف نمادین ترس و مرگ، نه تنها از آسیب‌های روانی بلندمدت می‌کاهد، بلکه ظرفیت رشد پس از سانحه (PTG) و انسجام اجتماعی را در میان کودکان و نوجوانان تقویت می‌کند. واژگان کلیدی: تربیت اخلاقی، ترومای جنگی، جنگ رمضان، تجمعات شبانه، اختلال استرس پس از رویداد ناگوار (PTSD)



مقدمه

جنگ رمضان از منظر واکنش اجتماعی مردم ایران و شکل‌گیری «تجمعات شبانه» با بسیاری از جنگ‌های معاصر تفاوت داشت. پژوهش حاضر در صدد بررسی نقش زنان در این تجمعات و تأثیر آن بر کاهش اختلال استرس پس از رویداد ناگوار (PTSD) در کودکان و نوجوانان است. کودکی که صدای انفجار را می‌شنود، اما در همان حال مشاهده می‌کند که مادرش نه دچار هراس می‌شود، نه می‌گریزد و نه رفتارهای آشکار اضطرابی بروز می‌دهد، بلکه با حفظ آرامش به شعار دادن یا مشارکت در آیین‌های جمعی ادامه می‌دهد، به تدریج برداشت متفاوتی از موقعیت تهدیدآمیز پیدا می‌کند. در چنین شرایطی، ادراک کودک از محرک‌های استرس‌زا از «خطر مطلق» به «تجربه‌ای جمعی همراه با همبستگی و مقاومت» تغییر می‌یابد و حساسیت هیجانی او نسبت به شرایط بحرانی کاهش پیدا می‌کند.

فراتر از ابعاد نظامی، آنچه توجه ناظران را جلب کرد، واکنش متفاوت بخشی از جامعه غیرنظامی ایران به شرایط جنگی بود. انتظار متعارف آن است که بمباران و تهدیدهای نظامی و شهادت ۱۶۸ دانش‌آموز دبستانی میناب، موجب پناه بردن مردم به فضاهای امن شود، اما در بسیاری از شهرها تجمعات شبانه با حضور گسترده زنان، کودکان و نوجوانان شکل گرفت. این تجمعات در برخی موارد تا پاسی از شب ادامه داشت و حتی در شرایطی که صدای هواپیماها یا تهدیدهای جنگی وجود داشت، شرکت‌کنندگان با شعارهای جمعی و آیین‌های همبستگی



به حضور خود ادامه می‌دادند. از این رو، پژوهش حاضر با تمرکز بر نقش زنان، «تاب‌آوری» را به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی برای بررسی تأثیر تجمعات شبانه بر کاهش علائم PTSD در کودکان و نوجوانان مورد توجه قرار می‌دهد.

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است.

اختلال استرس پس از رویداد ناگوار (PTSD) نوعی اختلال روان‌شناختی است که در پی مواجهه مستقیم یا غیرمستقیم با رویدادهای شدیداً آسیب‌زا و تهدیدکننده حیات، از جمله جنگ، بروز می‌کند (دنیوی و امیری، ۱۳۸۷، ص ۱۹۶). این اختلال می‌تواند پیامدهایی همچون اضطراب، افسردگی، وحشت‌زدگی، اختلال در روابط بین فردی، مشکلات تنظیم هیجان و سایر آسیب‌های روانی را به همراه داشته باشد (فروغی آغمیونی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۳۸۳۱).

در ادامه، برخی از مهم‌ترین نقش‌های زنان در تجمعات شبانه و تأثیر آن‌ها بر کاهش اختلال استرس پس از رویداد ناگوار (PTSD) در کودکان و نوجوانان بررسی می‌شود:

الف. زنان و حمایت اجتماعی

حمایت اجتماعی مادر، به عنوان یک عامل تعدیل‌کننده عمل می‌کند که می‌تواند شدت علائم PTSD را به طور معناداری کاهش دهد (شجاعی مهر و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۹۶). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بین حمایت اجتماعی و کاهش علائم استرس پس از رویداد ناگوار رابطه معناداری وجود دارد (ظهور پرونده

و پاسبان، ۱۳۹۸، ص ۲۸۹). این یافته نشان می‌دهد کودکانی که ادراک بالاتری از دسترسی و دریافت حمایت از سوی مادر دارند، شدت کمتری از علائم PTSD، از جمله تغییرات منفی در شناخت و خلق، را تجربه می‌کنند. همچنین، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سطوح بالای حمایت اجتماعی به عنوان یک عامل محافظتی، روند کاهش علائم را تسهیل می‌کند. در این شرایط، ایجاد معنا توسط مادر، زمانی که فرزندان با تجربه‌های ترسناک زندگی مواجه می‌شوند، اهمیت ویژه‌ای دارد و تروما به واسطه فرایندهای معناسازی مادر تسهیل می‌شود (نادمی و همکاران، ۱۴۰۴، ص ۲۹۰).

تاب‌آوری نیز عاملی مؤثر در رویارویی با موقعیت‌های سخت و تنش‌زای زندگی است که افسردگی را کاهش داده، توانایی سازگاری و کیفیت زندگی را افزایش می‌دهد و نوعی ترمیم خود همراه با پیامدهای مثبت هیجانی، عاطفی و شناختی محسوب می‌شود (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۴۲۹). تاب‌آوری از سازه‌های بنیادین روان‌شناسی مثبت‌نگر است که در حوزه‌های سلامت روان، خانواده و روان‌شناسی تحول جایگاه ویژه‌ای یافته است. تاب‌آوری به معنای ظرفیت سازگاری موفق با شرایط تهدیدکننده و مشارکت فعال در مواجهه با دشواری‌هاست (بشارت، جاهد و حسینی، ۱۳۹۳؛ راهیما و همکاران، ۱۳۹۵).

حمایت اجتماعی از مهم‌ترین نیروهای مقابله‌ای در شرایط تنش‌زا به شمار می‌رود و پژوهش‌ها بر نقش تعدیل‌کننده آن در کاهش استرس تأکید دارند (هارون رشیدی و منصوری‌راد، ۱۳۹۶). حمایت اجتماعی نوعی کمک دوسویه است که به شکل‌گیری خودپنداره مثبت، احساس ارزشمندی و رشد فردی



کمک می‌کند (علی‌پور و همکاران، ۱۳۸۹).

نظریه حمایت اجتماعی نشان می‌دهد که ادراک فرد از حمایت دیگران، یکی از مهم‌ترین عوامل تعدیل‌کننده آثار رویدادهای آسیب‌زا بر سلامت روان است. در تجمعات شبانه، کودکان و نوجوانان در کنار مادران خود احساس امنیت، تعلق و حمایت را تجربه می‌کنند. پژوهش‌ها نیز نشان داده‌اند افرادی که سطح بالاتری از حمایت اجتماعی را ادراک می‌کنند، کمتر دچار هیجان‌پذیری منفی می‌شوند (احمدی و محرابی، ۱۳۹۹، ص ۵۶).

درک رابطه میان حمایت اجتماعی مادران در تجمعات شبانه و کاهش علائم PTSD در کودکان و نوجوانان، نیازمند توجه به مفهوم «ترومای جمعی» است. ترومای جمعی، تجربه آسیب را از سطح فردی فراتر برده و آن را به بخشی از حافظه و تجربه مشترک جامعه تبدیل می‌کند. در چنین شرایطی، جنگ صرفاً یک رویداد فردی نیست، بلکه به حافظه جمعی و زیست تروماتیک پساجنگ تبدیل می‌شود (نظری، ۱۴۰۴، ص ۴۸؛ نادمی و همکاران، ۱۴۰۴).

در تجمعات شبانه، حمایت اجتماعی زنان در کنار تاب‌آوری عمل کرده و پریشانی روان‌شناختی را تعدیل می‌کند. هرچه میزان حمایت اجتماعی مادران بیشتر باشد، نشانه‌های استرس پس از سانحه و واکنش‌های ناشی از آسیب‌دیدگی در کودکان کاهش می‌یابد (احمدی و محرابی، ۱۳۹۹، ص ۳۸). از این‌رو، حمایت اجتماعی بر کاهش استرس، اضطراب و افسردگی در کودکان و نوجوانان تأثیر مستقیم و معنادار دارد (ظهور پرونده و پاسبان، ۱۳۹۸، ص ۳۰۰).

ب. نقش حمایت عاطفی مادر در کاهش پاسخ‌های فیزیولوژیک استرس و افزایش

احساس نشاط

حضور زنان به همراه فرزندان‌شان در تجمعات شبانه می‌تواند با افزایش احساس تعلق اجتماعی، همبستگی گروهی و فعال شدن سازوکارهای زیستی مرتبط با آرامش روانی، از جمله ترشح اکسی‌توسین و سروتونین، همراه باشد و در کاهش استرس و تعدیل علائم PTSD در کودکان و نوجوانان نقش داشته باشد. کودکان و نوجوانان از طریق تعاملات کلامی و غیرکلامی در تجمعات شبانه، به درک مشترکی از ماهیت، منبع و پیامدهای تهدید جنگی دست می‌یابند؛ وضعیتی که می‌توان از آن با عنوان «همسانی در توصیف رویداد تهدیدآمیز» یاد کرد. هماهنگی در پاسخ‌های هیجانی و توافق در اولویت‌بندی خطرات، به احساس آرامش و کنترل بیشتر در آنان منجر می‌شود.

در حقیقت، کودک پیش از آنکه از طریق استدلال منطقی مفهومی را بیاموزد، از طریق «تقلید عاطفی» از چهره مادر خود یاد می‌گیرد. در تجمعات شبانه، زنان به صورت خودجوش حلقه‌هایی را تشکیل می‌دهند که کودکان در مرکز یا حاشیه نزدیک آن قرار دارند. کودک به طور مداوم چهره مادر را مشاهده می‌کند؛ نه چهره‌ای هراسان و مضطرب، بلکه چهره‌ای استوار، با نگاه ثابت و اراده‌ای معطوف به مشارکت جمعی. از منظر روان‌شناختی، این وضعیت می‌تواند احساس امنیت، هدفمندی و تعلق اجتماعی را در کودک و نوجوان تقویت کند. کودکان و نوجوانان در بستر تجمعات شبانه و در سایه حمایت مادر، دایره همدلی خود را از خانواده و دوستان نزدیک به گروه‌های بزرگ‌تر و حتی افراد



ناشناس گسترش می‌دهند. از شاخص‌های این فرایند می‌توان به تمایل بیشتر برای کمک به دیگران در شرایط بحرانی و گسترش شبکه همدلی اشاره کرد. در اینجا باید میان «همبستگی عاطفی جمعی» و «تاب‌آوری جمعی» تمایز قائل شد؛ اولی بر هماهنگی هیجانی افراد در لحظه تمرکز دارد، در حالی که دومی ظرفیت بلندمدت جامعه برای بازیابی پس از ترومای جمعی را نشان می‌دهد (موزیری و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۴۰۸). در چنین شرایطی، هرسازوکاری که بتواند سطح هورمون‌های مرتبط با استرس، از جمله کورتیزول، را کاهش دهد، در افزایش تاب‌آوری عصبی - روان‌شناختی کودکان و نوجوانان مؤثر خواهد بود (شبیری و همکاران، ۱۴۰۴، ص ۶۱).

اکسی‌توسین یکی از مهم‌ترین عوامل زیستی مرتبط با کاهش استرس و تقویت پیوندهای اجتماعی است که می‌تواند در اثر همراهی مادر و مشارکت در فعالیت‌های جمعی آزاد شود. این هورمون، فراتر از نقش شناخته‌شده خود در ایجاد پیوند اجتماعی، کارکردهای متعددی در تنظیم هیجانی و کاهش استرس دارد. اکسی‌توسین با تأثیر بر رفتارهای مراقبتی، پیوند اجتماعی و تنظیم عواطف، به عنوان یک تعدیل‌کننده مهم استرس شناخته می‌شود. در بستر تجمعات شبانه، تماس چشمی، هم‌صدایی کلامی، لمس اجتماعی و هماهنگی حرکتی جمعی، از جمله محرک‌های مؤثر در آزادسازی اکسی‌توسین هستند. اکسی‌توسین آزادشده از یک سومی تواند مدارهای مرتبط با ترس و اضطراب را تعدیل کند و از سوی دیگر، احساس امنیت و تعلق را افزایش دهد. این سازوکار تا حدودی توضیح می‌دهد که چرا کودکان و نوجوانان حاضر در تجمعات شبانه، با وجود قرار



داشتن در شرایط تهدیدآمیز جنگی، سطوح پایین‌تری از استرس و اضطراب را تجربه می‌کنند (کیایی و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۱۰۹).

پ. بازتنظیم هیجانی و تاب‌آوری کودکان و نوجوانان در مواجهه با ترس از مرگ
در تجمعات شبانه، کودکان مشاهده می‌کنند که مادران با سردادن شعارهایی - گاه شاد و طنزآمیز - حرکت دادن پرچم‌ها، کشیدن نقاشی و خواندن اشعار حماسی، «مرگ» را از وضعیتی یأس‌آور به موضوعی عادی و تهدید دشمن به مرگ را به پدیده‌ای کم‌اثر و حتی خنده‌آور تبدیل می‌کنند. این واژگونی نمادین، مصداقی از مکانیسم «بازتعریف شناختی جمعی» است. اینکه کودکان و نوجوانان حاضر در تجمعات شبانه نسبت به مفهوم مرگ نگرش متفاوتی پیدا کرده و اضطراب کمتری را تجربه می‌کنند، با نظریه بازتنظیم هیجانی گراس قابل تبیین است (Gross, 2015, p26). براساس این نظریه، تغییر در نحوه تفسیر موقعیت، یکی از مؤثرترین راهکارهای تعدیل هیجان‌ها و کاهش واکنش‌های منفی روانی است.

کودکان و نوجوانان حاضر در تجمعات شبانه، به‌طور فعال موقعیت «شب جنگ و بمباران» را به موقعیتی همراه با نور، شعارهای جمعی و حرکت پرچم‌ها تبدیل می‌کنند. این دگرگونی در ادراک موقعیت، که در ادبیات روان‌شناسی اجتماعی از آن با عنوان «دگرگونی آیینی مکان» یاد می‌شود، می‌تواند به کاهش سطح برانگیختگی روانی و تعدیل واکنش‌های ناشی از ترس کمک کند. هنگامی که کودکان در تجمعات شبانه با فضایی سرشار از نور، صدا و حرکت



مواجه می‌شوند و در عین حال مشاهده می‌کنند که مادران بدون هراس، پرچم‌ها را در دست گرفته، با صدای رسا شعار می‌دهند و روحیه‌ای امیدوارانه از خود نشان می‌دهند، ساختار «جهان ذهنی» آنان دستخوش تحول می‌شود. در چنین شرایطی، کودک به جای آنکه خود را در محیطی آکنده از تهدید و ناامنی ادراک کند، احساس می‌کند بخشی از یک جمع بزرگ، متحد و توانمند است. این جابه‌جایی ادراکی، زمینه کاهش احساس درماندگی، افزایش احساس کنترل و تقویت تاب‌آوری روانی را فراهم می‌آورد.

نتیجه‌گیری

در جنگ رمضان، شاهد حضور فعال، مستمر و تأثیرگذار زنان در تجمعات شبانه بودیم؛ حضوری که یادآور نقش‌آفرینی تاریخی حضرت زینب علیها السلام در صیانت از حقیقت و تقویت روحیه جمعی است. این تجمعات، این فرضیه رایج را که «جنگ همواره به تضعیف پیوندهای اجتماعی و تشدید آسیب‌های روانی منجر می‌شود» به چالش کشید و نشان داد که در برخی شرایط، همبستگی اجتماعی می‌تواند به عنوان عاملی محافظت‌کننده در برابر پیامدهای روانی جنگ عمل کند.

در این میان، کودکان و نوجوانان از طریق تعاملات میان‌فردی و حضور در کنار مادران خود در تجمعات شبانه، به بازتعریفی مشترک از رویدادهای تهدیدآمیز دست یافتند. در این فضا، کنش جمعی فراتر از یک حضور اجتماعی صرف عمل کرده و با ایجاد امید، احساس تعلق و معنا، کارکردی حمایتی و ترمیمی



پیدا کرد. از این منظر، تجمعات شبانه را می‌توان نوعی رفتار جمعی، آیینی و خودانگیخته دانست که در کاهش آثار روانی ناشی از جنگ، از جمله علائم PTSD در کودکان و نوجوانان، نقش داشته است.

در این تجمعات، پرچم‌ها در دستان زنان به نماد استمرار زندگی، مقاومت و همبستگی اجتماعی تبدیل شدند. در چنین بستری، قدرت نه صرفاً در کنش‌های فردی، بلکه در پیوند عاطفی و هویتی اعضای جامعه متجلی شد؛ پیوندی که به افزایش تاب‌آوری کودکان و نوجوانان کمک کرد. کودک نیز نه فقط از طریق آموزش مستقیم، بلکه از راه مشاهده رفتار مادر، مانند حمل پرچم، مشارکت در شعارهای جمعی و ایستادگی در برابر تهدیدها، ارزش‌هایی همچون شجاعت، مسئولیت‌پذیری جمعی و فداکاری را درونی می‌کند.

بنابراین، تجمعات شبانه در جنگ رمضان بستری برای نقش‌آفرینی اجتماعی زنان فراهم آورد و کودکان و نوجوانان در این فضا، با بهره‌گیری از حمایت مادران، اشتراک‌گذاری احساسات، بازگویی تجربه‌ها و مشارکت در کنش‌های نمادین مشترک، توانستند تجربه آسیب‌زای جنگ را معنادارتر و قابل‌تحمل‌تر سازند. حضور فعال زنان در این تجمعات، از طریق تقویت همدلی گروهی و انسجام اجتماعی، فرایند بازپردازش خاطرات تروماتیک را تسهیل کرده و بر کاهش برخی نشانه‌های اختلال استرس پس از رویداد ناگوار (PTSD)، از جمله احساس جدافتادگی، اضطراب و اختلالات خواب، تأثیرگذار بوده است.



فهرست منابع

۱. احمدی، زینب؛ محرابی، حسینعلی (۱۳۹۹). «رابطه حمایت اجتماعی و تاب‌آوری با رشد پس از سانحه: نقش واسطه‌ای سبک‌های مقابله با استرس». فصلنامه ایده‌های نوین روان‌شناسی، ۵(۹).
۲. دنیوی، وحید؛ امیری، افشار (۱۳۸۷). «مروری بر درمان دارویی کابوس‌های شبانه در اختلال استرس پس از سانحه جنگ». مجله دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۶(۳).
۳. شبیری، سعیده سادات؛ خزایی، طاهره؛ شگرف‌نخعی، محمدرضا؛ حسن‌پور، کاظم (۱۴۰۴). «ارزیابی اثرات جنگ ۱۲ روزه بر سلامت روان کودکان: یک مرور روایتی». مجله طب نظامی، ۲۷، ویژه‌نامه ۱ (جنگ تحمیلی ۱۲ روزه).
۴. شجاعی‌مهر، پروانه؛ مومنی، خدامراد؛ کرمی، جهانگیر (۱۳۹۹). «رابطه امنیت روانی، حمایت اجتماعی و تاب‌آوری با بروز اختلال تنیدگی پس از سانحه». مجله روان‌شناسی، ۲۴(۲).
۵. ظهور پرونده، وجیهه؛ پاسبان، سعیده (۱۳۹۸). «رابطه حمایت اجتماعی و تاب‌آوری با اضطراب اجتماعی و درماندگی روان‌شناختی مادران کودکان استثنایی». فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۵(۵۸).
۶. فروغی آغمیونی، زهرا؛ رضایی، فاطمه؛ میردریگوند، فضل‌الله (۱۴۰۰). «اثر بخشی مواجهه درمانی طولانی مدت بر حمایت اجتماعی و شدت علائم بیماران مبتلا به اختلال استرس پس از ضربه». مجله علمی-پژوهشی دانشگاه



- علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ۲۹(۶).
۷. قاسمی، نعمت‌الله؛ قمری، محمد؛ پویامنش، جعفر؛ فتحی‌اقدم، قربان (۱۳۹۸). «اثربخشی معنادرمانی گروهی و فراشناخت درمانی بر تاب‌آوری و انگیزه پیشرفت دانشجویان». *مجله پزشکی/رومیه*، ۳۰(۶).
۸. کیایی، طاهره؛ مکوندی، بهنام؛ مرادی‌منش، فریبا؛ حافظی، فریبا (۲۰۲۱). «رابطه علی‌استرس ادراک شده، حمایت اجتماعی ادراک شده و تاب‌آوری با سازگاری عاطفی با میانجی‌گری رضایت از زندگی بیماران مبتلا به سرطان پستان». *فصلنامه سلامت/اجتماعی*، ۸(۱).
۹. موزیری، عباس؛ شفیع‌آبادی، عبدالله؛ اسماعیلی، معصومه؛ یونسی، جلیل (۱۳۹۹). «مدل‌یابی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری خانواده ایرانی». *مجله علوم شناختی*، ۱۹(۹۵).
۱۰. نادمی، محمد؛ رضایی، احمد؛ عبادالهی چندائق، حمید (۱۴۰۴). «زیست تروماتیک پساجنگ: مطالعه حافظه جمعی تجربه جنگ‌زدگی ساکنان استان ایلام». *فصلنامه مسائل اجتماعی ایران*، ۱۶(۴).
۱۱. نظری، خدیجه (۱۴۰۴). «ترومای جمعی و ترومای تکرارشونده در بستر جنگ دوازده روزه ایران و اسرائیل (مورد مطالعه: تهران)». *اولین کنفرانس بین‌المللی یافته‌های نوین در علوم اجتماعی، علوم تربیتی و روان‌شناسی*، تهران.
12. Gross, J. J. (2015). «Emotion regulation: Current status and future prospects». *Psychological Inquiry*, 26(1).